



# روزنامه منقصد



## برگزاری کنکور ترکیبی از ۱۴۰۴

صفحه ۱

مدیرعامل راه آهن خبر داد

جمع آوری ۲ هزار مین و خمپاره در مسیر ریلی شلمچه - بصره

صفحه ۶

## واردات خودروهای چینی؛ چالش بازار لوازم‌پدکی

صفحه ۷

سخنگوی صنعت آب

پُرشدگی سدهای کشور به ۶۷ درصد رسید

صفحه ۸

سخنگوی صنف جایگاه‌داران سوخت

سوخت‌گیری با کارت شخصی به ۸۰ درصد رسید

صفحه ۸

## ضعف قانون؛ چراغ سبزی برای افزایش اجاره بها

صفحه ۶



نگاهی به قلیان: از دیروز تا امروز  
سن قلیانی‌ها به زیر ۱۲ سال رسید!

صفحه ۱

معاون آموزشی وزارت علوم ۲۵۰ واحد دانشگاه پیام‌نور آماده واگذاری شد!

صفحه ۲

تأمین ۴۵ هزار هکتار زمین برای نهضت ملی مسکن

صفحه ۶

## مسئولیت تولید گوشتی ایرانی بر عهده کدام نهاد است؟

صفحه ۲

### سؤال روز

نگاهی به قلیان: از دیروز تا امروز

## سن قلیانی‌ها به زیر ۱۲ سال رسید!



اروپا شدت گرفت. اما داستان ورود تنباکو به آسیا و عثمانی به همین سادگی اتفاق نیفتاد و حکایت خونینی دارد. در زمان سلطنت سلطان مراد چهارم، نزدیک به چهار هزار نفر بر اثر خیزش چوپوق جان خود را از دست دادند. در تاریخ نعیمیا گفته شده است که مخالفان در قهوه‌خانه‌ها باتوق می‌کردند و قهوه می‌نوشیدند و چوپوق می‌کشیدند و در مورد سلطان بدگویی می‌کردند. سلطان مراد برای ایجاد رعب و وحشت دست به کشتار مخالفان می‌زد و دود کشتار بهانه خوبی برای این کار بودند. ورود تنباکو به ایران اما از دوران صفوی آغاز شده است. عثمانیان در زمان صفوی از کرانه غربی دریای خزر تا خلیج فارس با دولت ایران همسایگی داشتند و روابط این دو پادشاهی و مردمانی که در این گستره وسیع زندگی می‌کردند، بی‌اندازه بوده است. اما تحقیقی می‌توان گفت که در زمان شاه‌شاه اول، تنباکو و بازار آن وارد ایران شد. شاه‌عباس

### علی غلام‌فرهانی | مصاحبه

شاید باور اینکه تقریباً داخل هر خانه‌ای در کشورمان قلیان وجود دارد، سخت باشد. اما شیوع این دودزای پر ضرر به بحرانی جدی بدل گشته است. در واقع هر چه کام از قلیان بیشتر می‌شود، سن مصرف‌کننده آن کاهش می‌یابد! تاریخچه قلیان، چسبوق و تنباکو در ایران و جهان، داستانی طولانی و شگفت‌آوری دارد. در واقع همه چیز از گیاه تنباکو شروع شده که بومی آمریکا بوده و بومیان از قدیم می‌سوزانده‌اند و دود آن را از راه دهان و بینی وارد بدن می‌کردند. همچنین از راه جویدن برگ تنباکو نیز حالت سرخوشی به آنان دست می‌داده است. اما این گیاه تنها برای بوی خوش و کیف و سرخوشی استفاده نمی‌شده است. از این گیاه برای مصرف در جشن‌ها و همچنین عبادت خدایان و ارواح نیز استفاده می‌شده که رنگی معنوی به آن داده بوده است. در سال ۱۵۵۸ یعنی ۶۶ سال بعد از سفر کریستف کلمب به آمریکا، فیلیپ دوم، پزشکی اسپانیایی را به آمریکا گسیل می‌کند تا گیاهان و درختان آنجا را مورد بررسی قرار دهد. این پزشک، فرانسیسکو فرناندیس نام داشته و با خود تخم گیاه تنباکو را به اروپا می‌آورد. تا سالیانی دراز ظاهر اروپائیان این گیاه را برای درمان دارویی مؤثر به کار می‌بردند و گرافه‌گویی درباره اثرات دارویی این گیاه برای بسیاری از ثروتمندان فراهم آورد. این تبلیغات پزشکی باعث شهرت بیشتر تنباکو گردید و کشت آن در بسیاری جاها در

## برگزاری کنکور ترکیبی از ۱۴۰۴

سرپرست سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور، در خصوص سرنوشت کنکور در خصوص آینده کنکور در مأموریت نه می‌گوییم کنکور تشریحی می‌شود و نه نمی‌شود، بلکه تا سال ۱۴۰۴ کنکور ترکیبی

فرهنگی مصوبه کنکور را تصویب و ابلاغ کرد و در این مصوبه قید شده است که آزمون‌های آموزش و پرورش طی سال‌های آتی نهایتاً تا ۶۰ درصد در کنکور تأثیر داشته باشد که البته این تأثیر برای کنکور امسال ۵۰ درصد اعمال

بر گزار خواهد شد. به گزارش ایسنا، عبدالرسول پورعباس، ضمن بیان این مطلب در پاسخ به پرسشی در خصوص آینده کنکور در مأموریت جدید سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور، اظهار کرد: شورایی عالی انقلاب

برگزار خواهد شد. به گزارش ایسنا، عبدالرسول پورعباس، ضمن بیان این مطلب در پاسخ به پرسشی در خصوص آینده کنکور در مأموریت جدید سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور، اظهار کرد: شورایی عالی انقلاب

سرپرست سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور، در خصوص سرنوشت کنکور در خصوص آینده کنکور در مأموریت نه می‌گوییم کنکور تشریحی می‌شود و نه نمی‌شود، بلکه تا سال ۱۴۰۴ کنکور ترکیبی

و فرداً دقیقاً در زمانی که مرد ثروتمند در خواب نیمی از آن را می‌زد به گونه‌ای که آن بنده خدا پریشان و سراسیمه از خواب برید و به نوکر خود گفت: برو ببین چه کسی در خانه را می‌گوید، نوکر در خواب خانه را باز کرد و به مرد رند گفت، چرا این گونه درب می‌زنی مگر نمی‌دانی ساعت استراحت بازرگان است، آن رند هم با صدای بلند که همه اهل خانه بفهمند داد زد، کار خاصی نداشتم فقط می‌خواستم بگویم از صد سال یک روز گذشت و قبول و فراموش فراموش نشود و بعد از گفتن این حرف راه خود را گرفت و رفت!

فردا ظهر هم همین بساط بر پا بود و مرد رند خواب و استراحت مرد خسیس را آشفته کرد، روز بعد به جای ظهر، در نیمه شب به سراغ آن خانه آمد و خواب پیرمرد را مشوش و احوالش را مکدر کرد و برای چند روزی این قصه تکرار گردید، یک روز جناب بازرگان که از دلپره و اضطراب آمدن آن مرد به درب خانه‌اش، خواب به چشمانش نمی‌آمد، به محض اینکه آن مرد رند کوبه در را زد، خود را به پشت در رساند و در را باز کرد و به او گفت این چه بساطی است که راه

انداخته‌ای، حرفی زده‌ایم و قولی داده‌ایم، نیاز نیست هر روز بیایی آن را یادآوری کنی و ما را این‌گونه به هول و هراس انداخته و پریشان کنی، آن رند گفت: جناب بازرگان، به حال انسان، موجودی است فراموشکار و از شما هم سن و سالی گذشته است و من می‌ترسم این تعهد را فراموش کنید، بنابراین من تا زمان موعود هر روز با ظهر و یا شب و شاید هم برخی روزها هم ظهر و هم شب خدمت می‌رسم جهت یادآوری وعده موعود! پیرمرد بی‌بونا که مستاصل شده بود و فهمید چه رکیبی خورده است، با خود گفت، اگر چارصباحی دیگر این آدم بی‌سار، این رفتار خود را ادامه بدهد، ما ۱۰۰ سال که هیچ، ۱۰ روز هم دوام نیاورده و از دست می‌رویم، بنابراین به داخل خانه رفت و ۱۰۰۰ سکه برای آن رند عاقبت‌سوز آورد و گفت این را بگیر و نگران وفا به عهد ما نباش!

این را عرض کردیم که بگوییم، چندین ماه پیش قرار بود طبق عهده‌ای که با مردم اصفهان بسته شد، پیمان آب از کوهرنگ ۳ و انتقال آن به زاینده‌رود عملیاتی شود، عجالتاً بیش از ۸۰ روز از زمان موعود گذشته است!...

یادداشت طنز

رند گفت: حاضرم شرطی با تو ببندم، من که از دعا کردن برای طول عمر تو، به دنبال سودی نیستم ولی اگر شما ۱۰۰ سال دیگر زنده ماندی و من هم زنده بودم، ۱۰۰۰ سکه به من پرداخت کن، مرد خسیس با خود فکر کرد که با با فرد شیرین عقلی روبرو شده است و با واقعا این فرد هنری در چنته دارد، سنگ مفت گنجشک هم مفت، شاید دری به تخته خورد و روزی ما این است که به دعای این مرد ۱۰۰ سال دیگر زنده باشیم، بنابراین گفت: با پیشنهادت موافقم، پس تو برو برای من دعا کن، من هم قول می‌دهم اگر ۱۰۰ سال عمر کردم و تو هم زنده بودی، ۱۰۰۰ سکه به تو هدیه بدهم.

آن مرد رند هم قبول کرد و از حجره مرد ثروتمند بیرون آمد و یکر است به درب خانه او رفت و از نوکرش زمان استراحت نیمیروز و شبانه آن مرد ثروتمند را پرسید،

آوردند که بازرگان بولداری در شهری زندگی می‌کرد، که آوازه خسانست او همه جا پیچیده بود، روزی یکی از رندهای آن شهر به دوستان خود گفت که تصمیم گرفتم که کاری کنم تا این مرد ۱۰۰۰ سکه به من هدیه بدهد، دوستان آن رند به او گفتند: دروغ از یک پول بسپاه، یک قطره آب از دست این بنده خدا نمی‌چکد، بعد بیاید ۱۰۰۰ سکه بی‌زبان به تو هدیه دهد؟! اما آن شخص گفت، من خواهم گرفت و شما باید هر کدام ۱۰ سکه دست‌خوش به من بدهید و اگر نتوانستم، من به هر کدام ۱۰ سکه خواهم داد.

فردای آن روز آن مرد رند نزد فرد ثروتمند رفت و به او گفت، دعاهای من حتماً اجابت می‌شود و می‌توانم دعا کنم که تو لاقلاً ۱۰۰۰ سال دیگر زنده بمانی، بازرگان به او گفت برو پسر جان، خدا روزی‌ات را جای دیگری حواله کند، مرد

فردای آن روز آن مرد رند نزد فرد ثروتمند رفت و به او گفت، دعاهای من حتماً اجابت می‌شود و می‌توانم دعا کنم که تو لاقلاً ۱۰۰۰ سال دیگر زنده بمانی، بازرگان به او گفت برو پسر جان، خدا روزی‌ات را جای دیگری حواله کند، مرد

آگهی فراخوان بانک صادرات ایران  
موضوع:  
شناسایی شرکت‌های توانمند در زمینه تأمین، طراحی، پیاده‌سازی و استقرار سامانه جامع متمرکز ارزی  
رجوع به صفحه ۲

ویژه فواید و مزایای خرید خدمات ساوه  
فصلنامه  
خرید اشتراک ویژه در سایت Qanoonnameh.ir  
می‌توانید با خرید نسخه کاغذی نسخه الکترونیکی را رایگان دریافت کنید













